

امام باقر(ع)؛ بنیان‌گذار انقلاب فرهنگی در جهان اسلام

پس از شهادت سیدالشهدا(ع) به تدریج بستری فراهم شد تا امام باقر(ع) و امام صادق(ع) انقلاب عظیمی در حوزه اندیشه جهان اسلام راه بیندازند و زمینه تاسیس جغرافیای جدیدی را برای شیعه فراهم آورند.



پس از شهادت سیدالشهدا(ع) به تدریج بستری فراهم شد تا امام باقر(ع) و امام صادق(ع) انقلاب عظیمی در حوزه اندیشه جهان اسلام راه بیندازند و زمینه تاسیس جغرافیای جدیدی را برای شیعه فراهم آورند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: امام محمد باقر(ع) پنجمین امام شیعیان، فرزند علی بن الحسین امام سجاد (ع) و فاطمه دختر امام حسن مجتبی (ع) در اول رجب یا سوم صفر سال ۵۷ هجری در مدینه به دنیا آمد. ابن شهر آشوب می نویسد که حضرت باقر(ع) اول کسی بود که آمیخته از نژاد امام و حسن و امام حسین(ع) محسوب می شد چون مادرش ام عبدالله و دختر امام حسن(ع) بود که راست گوترین و نیکوترین زنان و به شمار می رفت.

در زمان امام محمد باقر (ع) که مصادف با حکومت مروانیان بود، کشور اسلام بسیار وسیع و پهناور شد، اقوام و ملل گوناگونی به اسلام گرویده بودند، در این هنگام مسائل جدیدی در حوزه های دینی مسلمانان مطرح بود

در زمان امام محمد باقر (ع) که مصادف با حکومت مروانیان بود، کشور اسلام بسیار وسیع و پهناور شد، اقوام و ملل گوناگونی به اسلام گرویده بودند، در این هنگام مسائل جدیدی در حوزه های دینی مسلمانان مطرح بود، تعدادی کتاب از زبان های مختلف ترجمه شده و مطالب جدیدی در میان مردم پخش می شد و ایجاد شبهه می کرد. در این هنگام حکومت مروانیان در اثر فساد از درون خراب و ضعیف و ناتوان شده بود، امام باقر (ع) از اوضاع و احوال استفاده کرد و حوزه بزرگی در مدینه تشکیل داد و شاگردان زیادی تربیت نمود، حکومت وقت هم چندان نیرومند نبود که جلوی مردم را بگیرد و امام (ع) را از تدریس و نشر احکام باز دارد. در حوزه درس امام باقر (ع) تعداد زیادی عالم و محدث از سراسر کشور پهناور اسلامی شرکت می کردند، در وقت حج و عمره بر تعداد آنها افزوده می گردید.

انحطاط امت اسلام در زمان امام باقر(ع)

انسان با ورق زدن کتاب توحید صدوق(ره) و مرور سؤال و جوابی که به امام باقر(ع) و امام صادق(ع) ارجاع داده می شد، می تواند متوجه شود که کار مسلمانان در این باره به جایی رسیده بود که درباره توحید و معرفت خداوند متعال، حرف هایی بدتر از یهود می زدند!

آیت الله میرباقری در این باره می گوید: «انسان با ورق زدن کتاب توحید صدوق(ره) و مرور سؤال و جوابی که به امام باقر(ع) و امام صادق(ع) ارجاع داده می شد، می تواند متوجه شود که کار مسلمانان در این باره به جایی رسیده بود که درباره توحید و معرفت خداوند متعال، حرف هایی بدتر از یهود می زدند!»

این انحطاط، تصادفی نیست! فرقه سازی، ایجاد بدعت، راه اندازی نهضت ترجمه و پدیدآوردن جریان های انحرافی، همه و همه، کارهای مدیریت شده و توأم با برنامه ریزی و ابزاری بوده است که دستگاه نفاق، با دوراندیشی و نگاه تاریخی، آن را راه انداخت؛ تا اسلام و معنویت حاصل از آن را سرنگون کند.

... در چنین شرایطی بود که امام باقر(ع) و امام صادق(ع) با ایجاد پایگاه مرجعیت علمی در جهان اسلام، نه تنها شیعیان [را ارتقا فکری دادند] که حتی اهل سنت را از افتادن در ورطه انحطاط فکری نجات دادند و چارچوب های مقننی را بنا گذاشتند. ایشان ضمن اتخاذ تدابیر بلند، با تربیت شاگردان فقهی در بدنه اهل سنت، در برابر پدید آمدن انحرافات و خطرناک تر که می توانست به فروپاشی جامعه اسلامی منتهی شود و نام اسلام و مسلمانی را یک سره در تاریخ به فراموشی بسپارد، ایستادند...»

تاسیس جغرافیای جدید شیعه

لذا پس از شهادت حضرت سیدالشهدا(ع) به تدریج رجعتی به سمت شیعه پدید آمد و بستری فراهم شد تا امام باقر(ع) و امام صادق(ع) انقلاب عظیمی در حوزه اندیشه جهان اسلام راه بیاندازند و زمینه تاسیس جغرافیای جدیدی را برای شیعه فراهم آورند.

آیت الله میرباقری این انقلاب فکری را در نتیجه مشی امام سجاد(ع) می داند که مردم این امکان را پیدا کردند که معنویت و قداست امام معصوم (ع) را ببینند و سرچشمه توحید و بندگی را پیدا کنند.

وی می گوید: «این طور نیست که حضرت سجاد(ع) با دعا، به جنگ با بنی امیه رفته باشند؛ بلکه، دعا، یکی از شئون امامت ایشان بوده، که احیاء معنویت در آن منعکس گردیده است. به بیان دیگر، صحیفه، تجلی احیاء توحید در جامعه زمان امام سجاد(ع) است؛ نه ابزار مبارزه حضرت.

امام باقر و امام صادق(ع) جایگاه مرجعیت علمی امام معصوم را نیز در جامعه اسلامی احیاء نمودند؛ و معادله مراجعه مردم برای حل و فصل مسائل فقهی را عوض کردند

در پی ارجاع مردم به خانه اهل بیت (ع) که نتیجه تلاش های امام سجاد(ع) بود، امام باقر و امام صادق(ع) جایگاه مرجعیت علمی امام معصوم را نیز در جامعه اسلامی احیاء نمودند؛ و معادله مراجعه مردم برای حل و فصل مسائل فقهی را عوض کردند. پیش تر، جامعه شیعه مسائل فقهی اش را از اهل سنت اخذ می کرد؛ اما در این دوره با احیاء مرجعیت علمی امام معصوم، کار به جایی رسید که بزرگان هر چهار مذهب اهل سنت، در مکتب تدریس امام صادق(ع) حضور پیدا می کردند و از شاگردان آن حضرت به شمار می آمدند.»

سختی های ارتباط امام با شیعیان

لذا بهترین زمان؛هایی که مردم از ائمه استفاده کردند زمان امام باقر و امام صادق(ع) بوده است. البته این امر با سختی هایی نیز همراه بوده است. مثلا بسیاری از اوقات شیعه؛ها وقتی می؛خواستند سوالی از امام بپرسند باید به عنوان یک دست؛فروش برونند در کوچه داد بزنند.

آیت الله مصباح یزدی با بیان این موضوع می گوید: به بهانه؛؛ تخم؛مرغ فروختن، سبزی فروختن، خیار فروختن برونند در خانه امام صادق (ع) و از ایشان مسأله بپرسند. تازه عصر این دو امام بهترین زمان؛ها بود. حتی در چنین زمانی که؛؛ امام زنده است، ظاهرا زندان هم نیست، کرسی درس هم دارد و هزاران نفر از شهرهای اطراف می؛آیند از محضرش استفاده می؛کنند.

آن کسی که در شهرهای دور زندگی می؛کند، فرض کنید در خراسان آن روز، فاصله را نسبت به مدینه حساب کنید که باید با شتر این مسافت را طی کنند شاید یک سال طول می؛کشید که از خراسان به مدینه برونند. برای این فرد اگر مشکلی پیش می؛آید چه کار کند؟؛

لذا آیت الله مصباح یزدی از این موضوع نتیجه می گیرد: «مسائل اجتماعی، سیاسی را که ایجاب می؛کرد به حکومت مراجعه کند نزد چه کسی برود؟ در میان مردم اگر اختلافی پیدا شد چه کنند؟ این؛جا فرمودند ولایت؛فقیه معتبر است؛ یعنی کسی که جای امام باشد به عنوان یک بدل اضطراری.

و کسی که او را رد کند مثل آنست که مارا رد کرده است؛ چرا که امام صادق می فرماید: «والرد علیه کالرد علینا»؛ بعد از آن هم یک جمله؛ای دارد که خیلی تکان؛دهنده است: «و هو علی حد الشکر بالله»؛

بین چه؛قدر برای امام معصوم مسأله وجود حکومت اهمیت دارد که این قدر پایه ولایت؛فقیه را محکم می؛کند و نمی؛گوید انکارش، (در حد شرک به خداست بلکه) می؛گوید ردش، که ظاهرا رد عملی منظور است؛ ولایت؛فقیه یعنی این.

نظر علمای اهل سنت در مورد امام باقر(ع)

ابن حجر عسقلانی در کتاب تقریب التهذیب، در معرفی امام باقر(ع) می؛نویسد: محمد باقر(ع) به اندازه

ای رموز و اسرار علوم و دانش؛ها را آشکار ساخت و حقایق احکام، حکمت؛ها و لطایف دانش؛ها را بیان نموده که جز کوردلان و تاریک باطنان، کسی نمی‌تواند آن؛ها را انکار کند و از این رو شکافنده مشکلات علم و برافرازنده دانش لقب یافته است

نمونه های فراوانی در مورد اظهار نظرهای علمای اهل سنت در مورد امام باقر(ع) وجود دارد که همه به فضل و دانش و برتری آن امام همام اقرار داشته اند. مثلا ابن حجر عسقلانی در کتاب تقریب التهذیب، در معرفی امام باقر(ع) می‌نویسد: «محمد باقر(ع) به اندازه ای رموز و اسرار علوم و دانش؛ها را آشکار ساخت و حقایق احکام، حکمت؛ها و لطایف دانش؛ها را بیان نموده که جز کوردلان و تاریک باطنان، کسی نمی‌تواند آن؛ها را انکار کند و از این رو شکافنده مشکلات علم و برافرازنده دانش لقب یافته است.»

همین طور محمد بن سعد زهري درباره پیشوای پنجم شیعیان گفته است: «محمد من الطبقة الثالثة من التابعين من المدينة، كان عابدا عالما ثقة؛ محمد از طبقه سوم از تابعین مدینه است. او مردی عابد، عالم و ثقه بود.» همچنین در جای دیگر می‌گوید: «كان ثقة كثير الحديث؛ او ثقه و کثیر الحديث بود.»

در مورد مقام علمی و سیاسی امام باقر(ع) در نزد علمای اهل سنت می‌توان به نمونه های دیگری اشاره کرد که برخی از علمای اهل سنت به امامت آن حضرت در علم و سیاست تصریح نموده اند که ما تعدادی را متذکر می‌شویم.

شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان الذهبی می‌گوید: «ابوجعفر الباقر سید امام فقیه، يصلح للخلافة؛ ابوجعفر باقر، سید، امام، فقیه و کسی است که برای خلافت صلاحیت دارد.»

وی در جایی دیگر می‌گوید: «و كان احد من جمع بين العلم والعمل والسؤدد والشرف والثقة والريانة و كان اهلا للخلافة؛ او یکی از کسانی بود که بین علم و عمل و بزرگواری و شرف و وثاقت، جمع نموده بود. او اهلیت بر خلافت را داشت.»

صلاح الدین خلیل بن ابیک صفدی می‌گوید: «... و كان احد من جمع العلم والفقه والديانة والثقة والسؤدد و كان يصلح للخلافة و هو أحد الأئمة الاثنی عشر الذين يعتقد الرفضة عصمتهم...؛ او یکی از کسانی بود که علم و فقه و دیانت و وثاقت و بزرگواری را جمع نموده و برای خلافت صالح بود و او یکی از ائمه دوازده گانه است که شیعه قائل به عصمت آنها است.»

ابن صباغ مالکی می‌گوید: «وكان محمد بن علی بن الحسين(ع) مع ما هو عليه من العلم والفضل والسؤدد والرئاسة والامامة، ظاهر الجود فى الخاصة والعامة، مشهور الكرم فى الكافة، معروفا بالفضل والاحسان مع كثرة عياله و توسط حاله؛ محمد بن علی بن الحسين(ع)، با وجود علم و فضل و بزرگواری و ریاست و امامت، اهل جود به خاص و عام بود. او مشهور به کرم بر همه بود و با کثرت عیال و متوسط الحال بودن در مال، معروف به فضل و احسان بود.»

احمد بن یوسف قرمانی می‌گوید: «وكان خليفة ابیه من بين اخوته و وصيه و القائم بالامامة من بعده، و لم يظهر عن احد من اولاد الحسن و الحسين من علم الدين و السنن و علم القرآن و السير و فنون الآداب ما ظهر عن ابی جعفر؛ او از بین برادرانش جانشین پدرش و قائم مقام امامت بعد از او بود. و از هیچ یک از اولاد حسن و حسین در علم دین و سنن و علم قرآن و تاریخ و فنون و آداب، به مقدار آنچه از ابی جعفر رسیده، ظاهر نشده است.»

محمد ابو زهره از بزرگان علمای مصر می‌گوید: «وكان محمد ابنه وريثه فى الامامة العلم و نيل الهداية، و لذا كان مقصد العلماء من كل البلاد الاسلامية، و ما زار احد المدينة الأعرج على بيت محمد الباقر ياخذ عنه؛ محمد فرزند زین العابدین وارث او در امامت علم و نیل به هدایت بود. و لذا مقصد علمای همه سرزمین های اسلامی بود. هیچ کس به زیارت مدینه نمی‌آمد جز آنکه وارد خانه او شده و از آن حضرت اخذ علم می‌نمود.»

حجت الاسلام فاطمی نیا در این باب می‌گوید: «ابن حجر مکی از علمای سنی و بسیار متعصب است. در بعض کتب خود خیلی به شیعیان و بزرگان شیعه جسارت کرده است. اما همین ابن حجر پلید زمانیکه به حضرت باقر(ع) می‌رسد، بغض و تسنن خود را فراموش میکند و در وصف حضرت می‌گوید: «سَمِيَّ بِالْبَاقِرِ لِأَنَّهُ أَظْهَرَ مِنْ مَقْطَعَاتِ كَنُوزِ»

المعارف؛ باقر نامیده شد چرا که گنجینه های مخفی معارف را ظاهر کرد.

حقیقتا امام باقر و امام صادق(ع) بنیان گذاران انقلاب فرهنگی در جهان اسلام هستند. هشام پلید برای خاموش کردن نورخدا، بسیار با حضرت مقابله کرد و انواع آزار واذیت ها را به ایشان رساند و در آخر هم حضرت را به شهادت رساند.